

حزب دمکرات کردستان ایران پس از یک وقفه ۲۰ ساله وارد صحنه می‌شود: آیا این یک تهدید واقعی برای جمهوری اسلامی است یا یک تهدید خیالی؟

مؤلف: مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی ملک فیصل
مترجم: خوشناو قاضی

- مقدمه
- حزب دمکرات کردستان ایران قبل از سال ۱۹۷۹
- مبارزات مسلحانه کردها با جمهوری اسلامی
- درگیری‌های اخیر
- دلایل احتمالی تغییر ناگهانی سیاست حزب دمکرات کردستان ایران
- تأثیر این درگیری‌ها بر کردهای ایران
- تأثیر درگیری‌های اخیر بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- آیا حزب دمکرات کردستان ایران یک تهدید واقعی برای جمهوری اسلامی است یا یک تهدید خیالی؟
- رابطه بین اعدام فعالین مذهبی کردستان و درگیری‌های اخیر حزب دمکرات کردستان ایران
- نتیجه‌گیری

مقدمه

زمانی که مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، در سخنرانی ماه مارس ۲۰۱۶ خود جوانان کرد ایرانی را به پیوستن به صفوف حزب دعوت کرد، چندین تحلیلگر و فعال کرد، پیام وی را به عنوان تلاشی برای راه اندازی مجدد خه‌باتی چه‌کداری، که به معنی تجویز بکارگیری سلاح در برابر دولت جمهوری اسلامی است، تفسیر کردند. دیگر تحلیل‌گران محتاط‌تر بودند. همانطور که حزب دمکرات کردستان ایران مبارزات مسلحانه خود را علیه نیروهای دولتی در استان‌های کردستان و آذربایجان شروع کرده است، تنش‌ها با پیامدهای نامشخص افزایش یافته است. تأثیر اساسی چنین کشمکش‌هایی بر دولت جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همسایگان ایران و همچنین کردهای ایرانی چیست؟ آیا درگیری‌ها ادامه خواهند داشت، یا آیا تهران می‌تواند راهی برای مقابله با یکی از جنجالی‌ترین اقلیت‌های این کشور پیدا کند؟ جمهوری اسلامی چگونه خواسته‌های مشروع کردها را پاسخ خواهد داد؟

حزب دمکرات کردستان ایران قبل از سال ۱۹۷۹

حزب دمکرات کردستان ایران یکی از نه حزب سیاسی کرد است که در ایران فعالیت می‌کند. هشت حزب دیگر که خواهان دستیابی به حقوق ملی کردها در یک نظام فدرال هستند عبارتند از: حزب دمکرات کردستان، کومله، کومله زحمتکشان، حزب حیات آزاد کردستان، سازمان خه‌بات کردستان ایران، سازمان خه‌بات انقلابی کردستان ایران، حزب آزادی کردستان و حزب استقلال کردستان. حزب دمکرات کردستان ایران توسط قاضی محمد در شهر مهاباد در ۱۶ اوت ۱۹۴۵ تأسیس شد. در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۶، قاضی محمد جمهوری مستقل کردستان را در مهاباد اعلام کرد و ریاست جمهوری را به عهده گرفت. در حالی که در آغاز این جمهوری از پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی برخوردار بود، با خروج مسکو از منطقه، مهاباد به اشغال ارتش سلطنتی ایران درآمد. عقب نشینی شوروی از خاک ایران اشغالی در دسامبر ۱۹۴۶ و اشغال مهاباد توسط ارتش ایران، که به سرعت بعد از بازپسگیری جمهوری آذربایجان اتفاق افتاد، به بلندپروازی حزب مبنی بر زندگی در یک کشور مستقل یا حداقل در یک نظام فدرال پایان داد. سقوط جمهوری مهاباد با یک سری از اتفاقات نظامی همراه بود: چندین نفر از رهبران حزب به سرعت دستگیر و عده‌ای از آنها به چوبه دار سپرده شدند. این اقدام به طور موثری موجب پایان بخشیدن به جمهوری و سرکوب حزب شد.

چند کادر باقی‌مانده حزب دمکرات کردستان ایران با همکاری حزب توده در دوره نخست وزیری محمد مصدق به احیای حزب همت گماردند ولی پس از آنکه محمد رضا شاه پهلوی کنترل کامل ایران را در سال ۱۹۵۳ به دست

گرفت، این تلاش هم ناکام ماند. در عرض پنج سال و هنگامی که احزاب مختلف کرد سعی کردند با هم جبهه واحدی تشکیل دهند و حزب دمکرات کردستان ایران در نظر داشت با حزب دمکرات کردستان در عراق متحد شود، ساواک در حزب نفوذ کرد و مانع برقراری این پیوند شد. زمانی که شاه تلاش تمام عیاری برای تضعیف تمام ارتباطات سیاسی موجود بین احزاب مختلف ایران را آغاز کرد، چیزی از این اتحاد باقی نماند. در یک طرح شیطانی، تهران کمک خود به حزب دمکرات کردستان به رهبری بارزانی را که در داخل خاک عراق مشغول مبارزه با دولت عراق بود افزایش داد. در آن زمان دولت عراق به حزب دمکرات کردستان ایران پناه داده و به آن یاری می‌رساند. به عبارت دیگر، تهران و تا حدودی بغداد جهت دستیابی به منافع منطقه‌ای خود و بدون توجه به آرمان کردی یا پیوندهای فرهنگی، بارزانی و حزب دمکرات کردستان ایران را بازیچه سیاست‌های خود قرار داده بودند.

حزب دمکرات کردستان ایران در واکنش به شرایط موجود تغییراتی در ساختار رهبری خود ایجاد کرد. دبیر کل طرفدار بارزانی یعنی عبدالله اسحاقی (مشهور به احمد توفیق) را به حاشیه راند، اعضای جدید کمونیست و ناسیونالیست را افزایش داد و کمیته انقلابی را تشکیل داد تا مبارزه خود علیه رژیم شاه را که به دنبال تجمیع همه ملیت‌های ایران زیر رداى فارس بود، ادامه دهد. حزب همچنین بعداً "رهبر جدیدی را به نام دکتر عبدالرحمن قاسملو انتخاب کرد که اصلاحات مختلفی را انجام داد، حتی زمانی که حزب دمکرات کردستان ایران در اوج وقایعی که به انقلاب ختم شد و حزب به تدریج خود را با جناح‌های مارکسیست و اسلامگرا تطبیق می‌داد این اصلاحات ادامه داشت. با وجود این روابط نزدیک، "آیت‌الله روح الله خمینی" (که نفرت او از گروه‌های چپ‌گرا و قومی به خوبی شناخته شده بود) به سرعت آنها را کنار زد، و دوستی با چپ‌گراها نتیجه عکس داد. حزب دمکرات کردستان ایران به حاشیه رانده شده و مانند دیگر گروه‌ها نادیده گرفته شده و با وجود منابع محدود ناچار به مقاومت مسلحانه علیه جمهوری نوپای اسلامی شد. اعضای اصلی حزب یا در درگیری‌های مسلحانه کشته شدند، یا دستگیر شدند و یا ناچار به تبعید گردیدند. این امر حزب را به شدت تضعیف کرد. در این حالت همچنانکه پیشمرگ‌های جان‌سخت به امید کسب حقوق ملی کردها در یک ایران سکولار، فدرال و دمکرات مبارزه می‌کردند همه فعالیت‌های اصلی حزب در تبعید صورت می‌گرفت.

قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران که حزب را در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۹ رهبری کرد، بر این اعتقاد بود که می‌تواند با رژیم انقلابی مذاکره کند زیرا او در سال ۱۹۷۹ از پشتیبانان اولیه خمینی بود. اما آیت‌الله با هرگونه مذاکره‌ای مخالفت کرد زیرا حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر گروه‌ها را پارتیزان‌های فرصت‌طلب می‌دانست و تلاش آن‌ها برای یک ایران فدرال با پلاتفرم ولایت فقیه مورد نظر او، مغایرت داشت. در ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹، در حالی که قاسملو مشغول مذاکره با نمایندگان ایران بود، در وین اتریش ترور شد. پس از این ترور صادق شرفکندی معاون قاسملو، رهبر حزب شد، اما او نیز در سال ۱۹۹۲ در برلین آلمان ترور شد. شرفکندی در رستورانی به نام "میکونوس" مورد سوء قصد قرار گرفت. این جنایت منجر به بحرانی دیپلماتیک بین ایران و آلمان شد و محاکمه‌ای تمام عیار که به عنوان "محاکمه میکونوس" شناخته می‌شود، را در پی داشت. دادگاه آلمان مقامات عالی رتبه ایران، از جمله علی خامنه‌ای رهبر انقلاب، علی اکبر رفسنجانی رئیس جمهور وقت، و علی فلاحیان وزیر اطلاعات، را متهم به آگاهی و دخالت در ترور کرد. عبدالله حسن‌زاده، پس از مرگ شرفکندی، رهبری حزب را در دست گرفت و در آخرین کنگره حزب در سال ۲۰۱۲، مصطفی هجری به عنوان رهبر انتخاب شد.

در ابتدا، حزب رهبری هجری را پذیرفت، اما پس از مدتی کوتاه به پشتیبانی برخی مهابادی‌ها که اعتقاد داشتند رهبر حزب باید از خاستگاه مهابادی باشد، ناراضیتی در حزب بروز کرد. در سال ۱۹۹۸ گروه جبهه مهاباد از حزب جدا شد و حزب دمکرات کردستان را پایه‌گذاری کرد.

رهبر مخالفان مهابادی، خالد عزیزی، موضع حزب دمکرات کردستان (حدک) را تغییر داد و رهبران کرد در تلاش مداوم برای اتحاد آن با حزب دمکرات کردستان ایران (حدکا) هستند اما هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده است. تا زمان نگارش این مقاله هر دو حزب در شهر کویه، واقع در منطقه خودمختار کردستان عراق مستقر هستند و هر دو ادعا می‌کنند که اهداف و مأموریت‌های رهبران پیشین خود را دنبال می‌کنند. هر دو حزب مشغول پخش برنامه‌های تبلیغاتی گسترده در کانال‌های ماهواره‌ای جداگانه هستند، هر چند که اخیراً از مشکلات مالی رنج می‌برند.

مبارزات مسلحانه کردها علیه جمهوری اسلامی

بهترین نمونه شناخته شده مبارزه مسلحانه احزاب کردی مقابل رژیم جمهوری اسلامی مبارزه‌ای بود که بلافاصله پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ صورت گرفت. بعد از صعود آیت الله روح الله خمینی به قدرت و سلطه جناح‌های اسلامگرا بر عناصر چپگرا و منطقه‌ای که در جریان انقلاب علیه شاه مبارزه می‌کردند، کردها و سایر گروه‌های قومی و همچنین حزب‌های چپ گرا به صورت سیستماتیک از جمهوری نوظهور اسلامی تصفیه شدند. در زمانی که هر عضو جامعه ایران ظاهراً "به بازسازی و کمک به دولت نوپای اسلامی فراخوانده شد، مشارکت در شکل‌گیری رژیم جدید به

زودی رنگ غیر فرقه‌ای و غیر قومی به خود گرفت، هرچند افراد بسیاری از قوم‌ها و فرهنگ‌های مختلف در مبارزه علیه شاه و پیروزی انقلاب نقش داشتند. در سال‌های پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، احزاب کردی گاه و بیگاه به حملات مسلحانه علیه رژیم متوسل شدند بدون آنکه نتیجه قطعی به دست آورند، آنها به علت نقش و توانایی محدود به ندرت باعث تهدیدی جدی برای حکومت آخوندها شدند.

پس از جنگ ایران و عراق و تا سال ۲۰۰۳، احزاب کردی -کومله، حزب کمونیست کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان - اسلحه خود را کنار گذاشتند. با این حال، در سال ۲۰۰۳، حزب تازه تشکیل پژاک یا حزب حیات آزاد کردستان، در برابر نیروهای دولتی سلاح به دست گرفت. احزاب کرد دیگر یا اقدامات پژاک را محکوم کردند یا ساکت ماندند. مدتی است حزب دمکرات کردستان ایران با اعلام خه‌باتی چه‌کداری جناح مسلح خود را مجدداً راه اندازی کرده و ادعا می‌کند که اعضای آن وارد مناطق کردستان ایران شده و تنها در مقام دفاع از خود در برابر حمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سلاح استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که درگیری‌های مسلحانه در ماه ژوئن ۲۰۱۶ در مهاباد که بین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و حزب دمکرات کردستان ایران رخ داد، حزب دمکرات کردستان درگیر نشد.

درگیری‌های اخیر

پس از اعلام دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، مصطفی هجری، که از جوانان کرد خواسته است که به صفوف حزب پیوسته و در مبارزات آزادیخواهانه در منطقه شرکت کنند درگیری‌هایی میان نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و نیروهای دولتی صورت گرفته است. بیانیه هجری که در آغاز سال نو ایرانی نوروز منتشر شد، به عنوان درخواستی برای تجدید مقاومت مسلحانه کردها در مقابل جمهوری اسلامی تفسیر شد. در اواخر ژوئن سال ۲۰۱۶، درگیری‌هایی میان جنگجویان حزب دمکرات کردستان ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به وقوع پیوست که هر طرف، ادعا کردند تلفات سنگینی را به طرف دیگر وارد کرده‌اند. با توجه به سانسور شدید رسانه‌ای در ایران، تعداد واقعی تلفات دو طرف مشخص نبود. هر دو طرف یعنی حزب دمکرات کردستان ایران و سپاه پاسداران در گذشته آمار صحیح تلفات خود را اعلام نکرده‌اند تا واکنش‌های عمومی به تلفات بالا را به حداقل برسانند.

هر آنچه می‌دانیم این است که درگیری‌ها در ۱۵ تا ۱۶ ژوئن سال ۲۰۱۶ در اشنویه استان آذربایجان غربی آغاز شد، و پس از آن، در شهرهای دیگر مانند سرواوا، مهاباد و مریوان در کردستان ایران زدوخوردی‌هایی گزارش شد. به گفته سپاه پاسداران در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۶، نیروهای سپاه ۱۱ شورش کرد را در ناحیه سرواوا پس از آنکه پیشمرگ‌ها آنها را مورد حمله قرار دادند، به قتل رسانده‌اند. یکی از فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محمد حسین رجبی، اعتراف کرد که سه تن از نیروهای سپاه نیز در این درگیری کشته شده‌اند. از سوی دیگر، حزب دمکرات کردستان ایران ادعا کرد که چندین پیشمرگ و بیش از ۲۰ عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شده و نیروهای ایرانی را متهم به به توپ بستن روستاهای منطقه مرزی نمود که چند روز ادامه داشته است.

دلایل احتمالی تغییر سیاست حزب دمکرات کردستان ایران

در حالی که دیدگاه‌های گوناگونی در مورد علل ریشه‌ای اتخاذ روش‌های جدید و خشونت آمیز حزب علیه حکومت ایران وجود دارد، در ماه‌های اخیر نظریات مختلفی برای توضیح این تغییر سیاست مطرح شده‌اند. برخی از ناظران معتقدند که همسایگان ایران و همچنین برخی قدرتهای جهانی پشتیبان و محرک قیام مسلحانه اخیر حزب دمکرات کردستان ایران هستند. هادی عزیزی، فعال سیاسی کرد ایرانی، معتقد است که حزب دمکرات کردستان ایران متوسل به دفاع مشروع علیه جمهوری اسلامی شده است و اصرار دارد که کردهای ایران آماده و قادر به محافظت از خود هستند. او باور ندارد که این حملات به تحریک عوامل خارجی صورت گرفته و استدلال می‌کند که نه نیروهای کرد و نه جمهوری اسلامی، برای شروع درگیری از حمایت جامعه جهانی برخوردار نیستند. علاوه بر این، عزیزی معتقد است که این درگیری‌ها در ایران بر دولت کردستان عراق تاثیر نخواهد گذاشت و اشاره می‌کند که دولت اقلیم کردستان عراق ارتباطات قوی و قابل اعتمادی با قدرتهای جهانی مانند ایالات متحده، روسیه و برخی از کشورهای اروپایی برقرار کرده است، و این البته به معنی اعطای اختیار تام به کردها نیست که به خشونت متوسل شوند. البته هر آنچه کردها به تازگی بدست آورده‌اند به دلیل مبارزه علیه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بود که جهادی‌های آن سعی کردند جنگ را به داخل کردستان عراق بکشانند. هر زمان که چنین درگیری‌هایی رخ داد، واشنگتن و متحدانش کمک نظامی به کردها را بیشتر کردند. در مقابل، زمانی که داعش موصل را تهدید می‌کرد و حتی بعد از اشغال آن در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ آنها اقدام خاصی علیه داعش انجام ندادند. تحلیلگر سیاسی صادق حسن شوکرو که در اربیل زندگی می‌کند، نظری برخلاف عزیزی دارد. وی تأکید می‌کند که این درگیری‌ها آغاز یک دوره

جدید را نوید می‌دهد؛ زیرا در ایران به لحاظ تاریخی، کردها هیچگاه دارای استراتژی توسل به حمله مسلحانه نبوده‌اند. شوکرو استدلال می‌کند که این قدم در درجه اول بیانگر اتخاذ یک رویکرد جدید است که به هدف حفاظت و ارتقاء منافع کردها صورت گرفته است.

اگرچه هر دو دولت اقلیم کردستان عراق و پادشاهی عربستان سعودی هر گونه تلاشی برای دخالت در امور داخلی ایران از طریق کمک به حزب دمکرات کردستان ایران را رد کردند، اما برخی از تحلیلگران معتقدند که حزب دمکرات کردستان، به رهبری مسعود بارزانی، از حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده می‌کند تا در شرایط خاص بر جمهوری اسلامی فشار وارد کند. مطابق نظر این تحلیلگران حزب دمکرات کردستان در رقابت دائم با اتحادیه میهنی کردستان قرار دارد. در واقع، پس از اعلام خودمختاری حکومت اقلیم کردستان عراق و سوگیری‌های مختلف در رد این ادعا که گروه بارزانی در نظر دارد مجدداً "با اتحادیه میهنی کردستان و حتی جنبش گوران متحد شوند، این رقابت قوت گرفت. این تنش‌ها ناشی از آن بود که تهران قصد داشت بارزانی را به خاطر جاه‌طلبی‌های خود مجازات کند و شواهد محکمی برای تأیید طرح‌های احتمالی ایران ارائه شده بود.

توضیح منطقی‌تر در مورد اقدامات اخیر حزب دمکرات کردستان ایران را باید با توجه به منافع این حزب در ایجاد ائتلاف در داخل ایران و با کشورهای همسایه در خاورمیانه و همچنین با جامعه بین‌المللی جستجو کرد. در واقع، حزب دمکرات کردستان ایران در ماه ژوئیه ۲۰۱۶ در توییت خود اعلام کرد که با نمایندگان اتحادیه جوامع کردستان دیدار کرده است. این گروه یک سازمان وابسته به حزب کارگران کردستان (PKK) است تا احزاب و گروه‌های کرد به منظور تحقق ایده "عبدالله اوجلان" رهبر پ.ک.ک موسوم به "کنفدرالیسم دمکراتیک" متحد شوند. هدف از این جلسه، تحقق یک هدف بلند مدت حزب یعنی تقویت همکاری بین کردها بدون در نظر گرفتن وابستگی‌های سیاسی بود.

از طرف دیگر به این دلیل که ممکن است جمهوری اسلامی به خوبی در میان کادرهای اصلی حزب دمکرات کردستان ایران به خصوص آنهایی که وظیفه مبارزه مسلحانه علیه رژیم را به عهده دارند، نفوذ کرده باشد تا بتواند به سرعت از فعالیت‌های حزب اطلاع پیدا کند، تصور اینکه درگیری‌های اخیر توسط سپاه پاسداران طراحی و اجرا شده باشد زیاد دور از واقعیت نیست. برخی صاحب‌نظران کرد اعتقاد دارند که حملات ماه ژوئیه ۲۰۱۶ بخشی از طرح جاسوسان سپاه پاسداران برای تضعیف و بی‌ثبات کردن کردستان ایران است تا به بهترین وضع ممکن، منافع سیاسی و اقتصادی رژیم را تامین کند.

تاثیر این درگیری‌ها بر کردهای ایران

هنگامی که آتش‌بس سال ۲۰۰۳ بین گروه‌های کرد و حکومت به اجرا درآمد، اکثر کردهای ایران از آن پشتیبانی کردند: آنها از جنگ خسته شده بودند، آماده برای آسایش و در آرزوی صلح بودند. با این حال، تنها پس از چند سال، مردم کرد مشاهده کردند که رژیم تهران نه تنها صلح را به ارمغان نیاورد، بلکه برعکس، با تحمیل مصیبت‌ها و گرفتاری‌های جدید، از جمله تبعیض گسترده و ترجیح اقتصادی دیگر مناطق و بیکاری شایع، به بدبختی آنها افزوده است. بسیاری به اعتقاد قبلی خود بازگشتند که دولت اسلامی ناتوان از اصلاحات است و تأیید کردند که وقتی حقوق قومی یا مذهبی اقلیت توسط اکثریت نادیده گرفته یا سرکوب می‌شود، مردم به خشونت متمایل می‌شوند. عده‌ای ظهور پژاک در سال ۲۰۰۳ و توسل به فعالیت‌های مسلحانه را نوعی کجراهی قلمداد کرده و عده‌ای دیگر از سرعت گسترش و جذب مردم توسط آن حزب شگفت زده شدند. از آنجایی که پژاک تنها حزب کردی بود که در فعالیت‌های مسلحانه ضد دولتی شرکت داشت، به سرعت محبوب جوانان و ناراضیان کرد شد.

جالب توجه است که کردهای ایران در مورد درگیری‌های اخیر میان حکومت و حزب دمکرات کردستان ایران نظرات متفاوتی دارند. در حالی که برخی موافق خشونت بودند، دیگران علیه آن موضع گرفتند و بعضی هم بی‌طرفی را ترجیح می‌دهند. همن سیدی، تحلیلگر سیاسی و عضو سابق حزب دمکرات کردستان ایران، نوشت: گرچه من برخی انتقادات جدی به عملکرد حزب دمکرات کردستان ایران دارم، اما موافق چنین اقداماتی علیه حکومت هستم؛ زیرا حزب دمکرات کردستان ایران در حدود ۲۰ سال گذشته، کاملاً خاموش و منفعل بوده و وضعیت مردم کرد بهبودی نیافته است.

کامران متین، استاد و مدرس ارشد روابط بین‌الملل در دانشگاه اسکس، این ادعای حزب دمکرات کردستان ایران که دیگر نیازی به قربانی کردن منافع کردهای ایران برای اطمینان از حفظ امنیت دولت کردستان عراق نیست را قابل توجه می‌داند. در حقیقت، حتی رهبری حزب دمکرات کردستان ایران هم احساس کرد که افزایش فعالیت در کردستان ایران را دیر شروع کرده است، اما به اعتقاد کامران متین مهم این است توجه داشته باشیم که حزب ادعا نکرده که یک دور جدید مبارزه مسلحانه را آغاز کرده است، بلکه در عوض به اهمیت دفاع مشروع تأکید کرده است.

با اینحال هنگام عملی کردن این ایده و صرف حضور نظامی این گروه مسلح در داخل قلمرو ایران، امکان حمله نیروهای امنیتی ایران به آن افزایش می‌یابد که به هیچ وجه جای تعجب نیست. سامان رسولپور، روزنامه نگار مقیم استکهلم، تاکید دارد که به اعتقاد رهبری حزب مقابله با نیروهای ایران می‌تواند حامیان جدیدی را در بین ۱۲ میلیون کرد که مدت‌ها از تبعیض، سرکوب و تحقیر سیاسی رنج برده‌اند برای حزب فراهم کند همچنین به گفته او رهبران حزب همچنین معتقدند که فعالیت‌های نظامی، که آن را به عنوان اقدام دفاعی علیه نیروهای ایران تفسیر می‌کنند، در واقع نشانه‌ای از پویایی حزب است، که می‌تواند پایه آن را تقویت کرده و موجب توسعه حزب شود. به عقیده رسولپور، حزب دمکرات کردستان ایران مبارزات مسلحانه را نشانه‌ای از فعالیت و سرزندگی و گواهی بر توانایی حزب برای به چالش کشیدن حاکمیت ایران دانسته و هر دو مورد به حزب امکان حضور در داخل دولت اسلامی را داده‌اند.

دیگر صاحب‌نظران استدلال می‌کنند که فعالیت‌های اخیر حزب دمکرات کردستان ایران نشان‌دهنده تلاش حزب برای رقابت با نفوذ پژاک به ویژه در میان جوانان است. مامند روزا، محقق و تحلیلگر کرد، توضیح می‌دهد که تصمیم اخیر حزب دمکرات کردستان ایران به انگیزه رقابت با گروه‌هایی مانند پژاک اتخاذ شده است. روزا اضافه می‌کند که این حزب همچنین تلاش می‌کند تا ضمن تقویت پایه‌های خود با مبارزات خویش توجه بین‌المللی را به مشروعیت جنبش و مسئله کرد جلب کند. در سال‌های اخیر، پژاک چندین بار با نیروهای ایران درگیر شده است و تلاش کرده موقعیت خود را به عنوان تنها حزب کردی که خواهان به چالش کشیدن نیروی نظامی ایران است، تثبیت کند. اکنون حزب دمکرات کردستان ایران می‌خواهد موضع تاریخی خود را درون منطقه کردستان ایران بازیابد. علی‌رغم این اهداف، معلوم نیست که آیا با وجود انشعاب و تفرقه داخلی همراه با رقابت قوی بین حزبی، حزب دمکرات کردستان ایران می‌تواند قدرت سابق خود را به دست آورد یا خیر. برعکس، برخی از فعالان کرد وفادار به جمهوری اسلامی مانند احسان هوشمند جامعه شناس بیجاری، مخالف این اقدامات و درگیری‌های مشابه هستند. آنها استدلال می‌کنند که خشونت باعث ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در کردستان شده و در صورتی که منازعات مسلحانه شدت یابد دولت مرکزی در تهران سرمایه‌گذاری‌های آینده در این منطقه را متوقف می‌کند.

تاثیر درگیری‌های اخیر بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اگر هشدارها و اظهارات تند برخی از فرماندهان سپاه پاسداران را نشانگر موضع پنهانی حکومت علیه کردها بدانیم، آنگاه درگیری‌های اخیر تأثیر قابل توجهی بر دولت ایران و نیروهای امنیتی گذاشته است. در واقع، فرماندهان سپاه پاسداران چند بار اعلام کردند که آنها با تروریست‌های وابسته به گروه‌های ضد انقلاب، مبارزه می‌کنند. سپاه پاسداران همچنین اخطار داد که نیروهایش مراقب تمام حرکات ضدانقلاب در منطقه مرزی هستند و اجازه نمی‌دهند آرامش و امنیت مردم توسط هیچ یک از گروه‌های مخالف مسلح، مختل شود. اخیراً "فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، محمد پاکپور، هشدار داده است که جمهوری اسلامی می‌تواند به عنوان تلافی یا انجام اقدامات پیشگیرانه به محل استقرار حزب دمکرات کردستان ایران در کردستان عراق حمله کند. پاکپور اضافه کرد که از آنجا که حزب دمکرات کردستان ایران در شمال عراق مستقر است، هرگونه اقدام جهت نا امن کردن ایران از آن منطقه به عنوان اقدامی خصمانه تلقی شده و پایگاه‌های آن حتی در خارج از مرزهای ملی نیز هدف قرار می‌گیرد. حسین سلیمی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سخنرانی خود در نماز جمعه دانشگاه تهران، اظهار داشت که وی شورشیان کرد را در هر دو طرف مرز نابود می‌کند. وی به مقامات دولتی منطقه کردستان عراق هشدار داد که به تعهدات خود عمل کنند و تأیید کرد که جمهوری اسلامی هرگونه تهدیدی را بدون در نظر گرفتن ملاحظات جغرافیایی، سرکوب می‌کند.^۱

محسن رضایی، دبیر کل شورای تشخیص مصلحت جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌ای با شبکه یک تلویزیون دولتی ایران، به شدت به دولت اقلیم کردستان عراق در مورد درگیری‌های اخیر حزب دمکرات کردستان ایران هشدار داد. برخی از مقامات دولت منطقه‌ای کردستان عراق، از جمله ناظم دباغ، نماینده حکومت اقلیم در ایران، به طور مبهم و بی‌روح به تهدید فرماندهان سپاه پاسداران پاسخ دادند. تا مدتی بعد از اینکه سپاه تهدیدات خود را اعلام کرد، فعالیت چشمگیری در حزب دمکرات کردستان ایران مشاهده نشد.

آیا حزب دمکرات کردستان ایران تهدیدی واقعی برای ایران است؟

^۱ در هشتم سپتامبر سال ۲۰۱۸ ایران تهدید خود را عملی کرد و با هفت موشک مقرر حزب را در کردستان عراق هدف قرار داد که منجر به کشته شدن تعدادی از اعضای حزب شد.

علی رغم ادعاهای رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در مورد قدرت و جایگاه مردمی در میان کردها، تحلیلگران بر این باورند که این حزب توانایی تهدید جدی نظامی علیه ایران را ندارد. کامران متین معتقد است که حزب دمکرات کردستان ایران نیروی لازم برای تسخیر و نگهداری قلمرو و همچنین تحمیل تلفات گسترده بر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را ندارد به دلیل اینکه جمعیت کردها به نسبت بقیه مردم ایران رقم بزرگی نیست. احزاب کرد در گذشته بدون دستیابی به نتایج مهم دست به اقدامات مسلحانه بزرگی زده‌اند اما در طول دو دهه گذشته از لحاظ نظامی فعال نبوده‌اند. به علت منابع ضعیف و آموزش ناکافی، آنها به آسانی آماده نیستند که یک چالش بزرگ برای دولت ایران ایجاد کنند. متین ادامه می‌دهد که اگر درگیری نظامی در کردستان ایران ادامه یابد و تهران بر تعهد خود برای حمله به پایگاه‌های حزب دمکرات کردستان ایران در داخل عراق عمل کند، امکان ایجاد تنش‌های بین‌المللی وجود دارد، با این حال در صورت چنین حمله‌ای باید دید که چگونه عراق، ایالات متحده و کشورهای مانند ترکیه به اقدامات گسترده‌تر ایران در عراق به طور کلی و علیه دولت منطقه‌ای کردستان به صورت خاص واکنش نشان خواهند داد. وی استدلال می‌کند که درگیری‌ها احتمالاً "باعث مداخله گسترده تهران به مانند سایر نقاط جهان از جمله سوریه نخواهد شد، اما به نظر می‌رسد که با وجود وابستگی استراتژیک احزاب کرد عراقی به ایران بعید به نظر می‌رسد که آنها اجازه دهند حزب دمکرات کردستان ایران عملیات خود را علیه جمهوری اسلامی برای یک دوره طولانی مدت ادامه دهد.

رابطه بین اعدام فعالان مذهبی کرد و مبارزات مسلحانه حزب دمکرات کردستان ایران

بعد از آنکه حکومت اسلامی ایران حدود ۳۰ فعال مذهبی را به دلیل سلفی بودن اعدام کرد، فعالان سیاسی ایران مانند سعید مدنیفر، سعید رضوی فقیه و یکی از وکلای آنها به عثمان مزین، این اعدام‌ها را محکوم کردند و آنها را غیرقانونی و شرم‌آور دانستند. البته، این عمل توسط بسیاری از کشورها و احزاب سیاسی، و همچنین موسسات حقوقی در سراسر جهان محکوم شد. متاسفانه ایرانیان مشهور من جمله محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق، مهدی کروبی و میرحسین موسوی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری که به علت مخالفت با رژیم در حبس خانگی هستند، سکوت کردند. به نظر فعالین سیاسی مطرح، هدف اصلی رژیم اسلامی از این اعدام‌ها ارعاب مردم و فعالین مذهبی و سیاسی ایرانی به طور عام و کردها و سنی‌ها به طور خاص است. علاوه بر این تهران به حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر احزاب سیاسی پیام روشنی داده است که اگر به اقداماتشان ادامه دهند انتظار پاسخ خشنی داشته باشند و از این طریق هرگونه اقدام بالقوه را در نطفه خفه کرده است. در واقع این توضیح ممکن است درست باشد چراکه رژیم فعالان مذهبی کرد را اعدام کرد نه دیگر فعالان مذهبی عرب یا بلوچ.

به نظر می‌رسد که رژیم اسلامی عامدانه زمان اعدام و انتخاب فعالان مذهبی کردی را به صورتی ترتیب داده تا این پیام را به همه احزاب سیاسی کرد بفرستد که به درگیری‌ها ادامه ندهند چراکه هر کسی که مبادرت به انجام چنین کاری کند باید منتظر پاسخی محکم هم باشد. این اعدام‌ها پیام مشابهی نیز به دشمنان سنی رژیم است.

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های مسلحانه اخیر حزب دمکرات کردستان ایران و واکنش‌هایی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی و ناظران و تحلیل‌گران مطرح شده است، برای آنها شرایط و وضعیت جدیدی به ارمغان آورد که باید مورد توجه مبارزان، پیروان و اعضای حزب دمکرات کردستان ایران قرار بگیرد. جنبش مسلحانه به علت محدودیت‌های مالی و نظامی حزب و همچنین سایه روابط میان دولت منطقه‌ای کردستان عراق و تهران به راحتی سرکوب شد. با این وجود، واکنش شدید و واکنش عمومی سپاه به این درگیری‌ها، نشان‌دهنده تاثیر آنها بر مردم کرد و بیانگر تهدیدی است که رژیم اسلامی با آن مواجه شد. بعد از این درگیری‌ها تهران شاهد سایر جنبش‌های ضد رژیم در دیگر مناطق مانند بلوچستان بود اما قیام کردها به دلیل تاریخ طولانی اختلاف بین جمهوری اسلامی و مردم کرد از زمان انقلاب ۱۹۷۹ و همچنین دهه‌ها مبارزه مستمر بین‌المللی کردها در عراق، سوریه و ترکیه تهدید قابل توجه‌تری برای رژیم ایران است.

در حالی که حزب دمکرات کردستان ایران و همچنین بسیاری از احزاب دیگر کرد، از جمله کومله، حزب دمکرات کردستان، و احزاب کوچک مانند حزب استقلال کردستان، از نظر تعداد و توانایی استراتژیک در سایه پژاک قرار دارند، باید توجه داشت که درگیری‌های اخیر در داخل ایران، معضلات قابل توجهی را برای حکومت در پی داشته است. پیروان حزب دمکرات کردستان ایران به صورت عمده در آذربایجان غربی و استان کردستان ایران قرار دارند و در دیگر مناطق کردستان مانند کرمانشاه، ایلام، لرستان و غرب خراسان هواداران زیادی ندارند. در مقابل،

فعالان پژاک در داخل ایران حضور گسترده‌تری داشته و در تمامی مناطق دارای جمعیت کرد رشد کرده‌اند. در این شرایط لازم است حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر احزاب کردی استراتژی خود را مورد بازبینی قرار داده و برای سایر مناطق کردنشین ایران نیز برنامه داشته باشند. سرانجام مهم است که همه احزاب کرد، از جمله پژاک، به فکر راهکاری باشند که از تکرار همان اشتباهات تاریخی که به غریبه‌ها اجازه داد تا از اختلافات داخلی آنها بهره ببرند، جلوگیری شود. اتحاد کردها علیه دشمن مشترک آنها یعنی حکومت ایران، تنها راه معقول در حصول به آزادی است.

منابع

- Ward, Steven R. 2009. *Immortal: A Military History of Iran and its Armed Forces*. Washington, DC: Georgetown University Press.
- Natali, Denise. 2005. *The Kurds and the State: Evolving National Identity in Iraq, Turkey, And Iran*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.
- Nourizadeh, Ali-Reza. "The Tragedy of Being Kurd in Iran." April 27, 2004. <http://www.nourizadeh.com/archives/000267.php>
- Valli, Abbas. 2011. *Kurds and the State in Iran: The Making of Kurdish Identity*. London: I.B. Tauris & Co Ltd.
- Rubin, Michael. 2003. "Are Kurds a Pariah Minority?" *Social Research* 70 (1): 295-330.

13

مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی ملک فیصل (KFCRIS)

مأموریت مرکز مطالعات و مطالعات اسلامی ملک فیصل که در سال ۱۹۸۳ در ریاض عربستان سعودی و تحت هدایت شاهزاده ترکی الفیصل بن عبدالعزیز تاسیس شد این است که مطابق خواست ملک فیصل بن عبدالعزیز فقید چراغ دانش برای بشریت باشد. مرکز جهت نیل به این هدف تحقیقات و مطالعاتی انجام می‌دهد که باعث تشویق فعالیت‌های فرهنگی و علمی در خدمت به بشریت، غنی سازی حیات فرهنگی و فکری در عربستان سعودی و تسهیل همکاری میان شرق و غرب می‌شود.

فعالیت‌های این مرکز عبارتند از سخنرانی‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها و میزگردها. این مجموعه شامل کتابخانه ملک فیصل، مرکز نگهداری نسخه‌های خطی نادر، موزه هنرهای اسلامی و موزه ملک فیصل است. همچنین مرکز برنامه جامع اعضا و بازدید کنندگان را مدیریت می‌کند. از آنجاییکه تمرکز مرکز انجام تحقیقات علمی است، در سال ۲۰۱۳ شاهد تجدید ساختار مرکز بودیم تا تحقیقاتی عمیق و علمی در خصوص تفکرات سیاسی معاصر، مطالعات عربستان، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات زبان عربی و مطالعات مدرنیته، انجام شود. این مرکز همچنین در محدوده پژوهش‌های خود با مراکز تحقیقاتی مختلف در سراسر جهان همکاری می‌کند.